



Welfare and Social Security in Jurisprudence and Law with Emphasis on the Theory of Imam Khomeini (RA)

Mohammadjavad Latifi Pishvari¹, Seyed Mohammad Hoseini^{2*}, Rahman Valizadeh³

1. PhD Student, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Babol Branch, Islamic Azad University, Babol, Iran.

2. Assistant Professor, Law Department, Babol Branch, Islamic Azad University, Babol, Iran.

3. Assistant Professor of Jurisprudence and Islamic Law Department, Babol Branch, Islamic Azad University, Babol, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 279-294

Article history:

Received: 6 Feb 2024

Edition: 12 Apr 2024

Accepted: 27 Jun 2024

Published online: 31 Oct 2024

Keywords:

welfare, social security, subject rights, social takaful.

Corresponding Author:

Seyed Mohammad Hoseini

Address:

Iran, Babol, Islamic Azad University, Babol Branch, Law Department.

Orchid Code:

Tel:

Email:

hoseini.mohammad22@yahoo.com

ABSTRACT

Background and Aim: Social security is one of the noble goals of the Islamic law and the most basic foundations of social justice in Islam. which aims to examine welfare in Islam based on Imam Khomeini's point of view.

Materials and Methods: This article is descriptive-analytical. The materials and data are qualitative and the data collection method was used.

Ethical Considerations: In this article, the authenticity of the texts, honesty and trustworthiness have been respected.

Findings: Islamic teachings in this field contain legal, moral, value and special insight elements that were established in the society of Sadr Islam by relying on them as a successful model of social security. In this regard, Imam Khomeini (may God bless him and grant him peace) by emphasizing the need to pay attention to the welfare of the underprivileged in the society, has considered it possible to serve the government and able-bodied people to this oppressed class if all intentions and goals are based on the divine school and the idea of monotheism with its lofty dimensions.

Conclusion: Social security and public welfare are directly related to cultural and economic development, and it is obvious that planners, designers, and implementers should, in order to create prosperity and eliminate poverty, and remove any kind of deprivation in the fields of nutrition, housing, work, health, and the generalization of insurance. Cultural and moral categories should be taken into consideration so that they can play a committed and compassionate role in the realization of public welfare and social security intended by Imam Efa'i.

Cite this article as:

Latifi Pishvari MJ, Hoseini SM, Valizadeh R. Welfare and Social Security in Jurisprudence and Law with Emphasis on the Theory of Imam Khomeini (RA). *Economic Jurisprudence Studies*. 2024.



رفاه و تأمین اجتماعی در فقه و حقوق موضوعه با تأکید بر نظریه امام خمینی (ره)

محمدجواد لطیفی پیشه‌وری^۱، سید محمد حسینی^{۲*}، رحمان ولی‌زاده^۳

۱. دانشجوی دکتری، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران.

۲. استادیار، گروه حقوق، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران.

۳. استادیار، گروه فقه و حقوق اسلامی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: تأمین اجتماعی یکی از مقاصد والای شرعی و اساسی‌ترین پایه‌های عدالت اجتماعی در اسلام است. که هدف بررسی رفاه در اسلام با تکیه بر دیدگاه امام خمینی است.

مواد و روش‌ها: مقاله حاضر توصیفی-تحلیلی است. مواد و داده‌ها کیفی است و در گردآوری مطالب و داده‌ها از روش فیش برداری استفاده شده است.

ملاحظات اخلاقی: در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

یافته‌ها: آموزه‌های اسلامی در این زمینه حاوی عناصر حقوقی، اخلاقی، ارزشی و بینشی ویژه‌ای است که در جامعه صدر اسلام با اتکا بر آن‌ها الگویی موفق از تأمین اجتماعی برقرار گردیده بود. در این راستا امام خمینی (ره) با تأکید به ضرورت توجه به رفاه محرومین جامعه توفیق خدمت برای دولت و افراد توانمند به این طبقه مظلوم را در صورتی میسر دانسته که همه نیت‌ها و اهداف بر مبنای مکتب الهی و ایده توحید با ابعاد رفیع آن باشد.

نتیجه: تأمین اجتماعی و رفاه عمومی با توسعه فرهنگی و اقتصادی ارتباط مستقیم دارد و بدیهی است که برنامه‌ریزان، طراحان و مجریان باید جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه، مسکن، کار، بهداشت و تعمیم بیمه نیز به مقوله‌های فرهنگی و اخلاقی توجه داشته باشند تا متعهدانه و دلسوزانه در تحقق ایجاد رفاه عمومی و تأمین اجتماعی مورد نظر امام ایفای نقش کنند.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۲۷۹-۲۹۴

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۱۷

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۱/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۰۷

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۸/۱۰

واژگان کلیدی:

رفاه، تأمین اجتماعی، حقوق موضوعه، تکافل اجتماعی.

نویسنده مسئول:

سید محمد حسینی

آدرس پستی:

ایران، بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بابل، گروه حقوق.

کد ارکید:

تلفن:

پست الکترونیک:

hoseini.mohammad22@yahoo.com

۱. مقدمه

گسترده در اختیار ولی امر امکان تطبیق آن آموزه‌ها بر شرایط زمانی و مکانی مختلف و ارائه الگوی مناسب برای هر عصری را فراهم نموده‌اند. افزون بر این، در دوران حاکمیت اسلام در زمان پیامبر اکرم (ص) و جانشینان نخستین ایشان آموزه‌های اسلامی به صورت یک نظام اجتماعی به مرحله اجرا گذاشته شده و تجارب آموزنده‌ای از نحوه پیاده کردن رهنمودهای اسلامی برای حل مشکلات جامعه را در اختیار ما گذاشته است. برخلاف این حقیقت، امروزه نظام‌های حاکم بر جوامع اسلامی برای سامان بخشی به زندگی مردم، استفاده از الگوهای تقلیدی را بر راهکارهای اسلامی ترجیح داده‌اند و در میان اندیشمندان مسلمان نیز کمتر کسانی جرئت وارد شدن به عرصه نظریه‌پردازی اسلامی در این زمینه و ارائه الگوهای روزآمد، نقادانه و قابل هم‌وردی با الگوهای بیگانه را پیدا نموده‌اند.

بر این اساس یکی از موضوعی که پس از تشکیل نظام جمهوری اسلامی ایران مورد توجه بوده تلاش برای حاکمیت نظام اقتصاد اسلامی در راستای تأمین رفاه عمومی بوده است. از این رو در طول این سه دهه که از عمر نظام جمهوری اسلامی می‌گذرد بدون تردید تلاش برای اصلاح و ایجاد رفاه و انطباق آن با دیدگاه‌های اسلامی از مهم‌ترین دغدغه‌ها بوده است. به عنوان مثال وقتی دوران حیات پر برکت حضرت امام (ره) مورد مطالعه قرار بگیرد به وضوح مشخص می‌شود که پس از استقرار نظام جمهوری اسلامی بخش اعظم توجه و توصیه‌های ایشان مربوط به ضرورت اصلاح اصول اقتصادی و تأکید بر تلاش برای پیشرفت در عرصه‌های اقتصادی و ایجاد بسترهای

مسئله تأمین اجتماعی امروزه در همه کشورهای دنیا به عنوان یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین مسائل اقتصادی- اجتماعی مطرح است و علیرغم تجربه‌ها و رویکردهای مختلف، پیدا کردن یک نظام تأمین اجتماعی که بتواند در عین ایجاد و ارائه تأمین به آحاد جامعه، مشکلات جدیدی را به بار نیاورد و از کارآمدی و پایداری کافی برخوردار باشد، مسئله مهم همه کشورهای جهان می‌باشد و هنوز هیچ کشوری موفق به کشف چنین نظامی نشده است. نظام تأمین اجتماعی موجود در ایران الگوبرداری ناقص از نظام تأمین اجتماعی حاکم بر جوامع سرمایه‌داری است. در حالی که اولاً، نظام‌های مذکور مبتنی بر اصول و مبانی خاص حاکم بر همان جوامع است که در موارد زیادی مغایر با مبانی اسلامی است و ثانیاً، در عرصه عمل، با چالش‌هایی چون بحران مالی، عدم پایداری، تضعیف انگیزه پس‌انداز و کار و ناسازگاری با عدالت درون نسلی و بین نسلی مواجه‌اند. به همین دلیل این نظام‌ها به‌طور مداوم در معرض تغییر و اصلاح قرار می‌گیرند و پیروی از آن‌ها بدون عبرت‌آموزی از عواقب‌شان، پیامدهای جبران‌ناپذیری را به دنبال خواهد داشت.

این در حالی است که در نصوص قرآن کریم و روایات، آموزه‌های بسیار زیادی در زمینه رفع فقر و مشکلات معیشتی افراد وارد گردیده است. منابع اسلامی همان‌طور که درباره مبانی و اهداف یک جامعه نمونه از حیث برخورداری از زندگی عزتمندانه و کریمانه آحاد مردم سخن گفته‌اند، راهکارهای مناسب عملی برای رسیدن به آن اهداف را هم نشان داده و با بازگذاشتن راه اجتهاد و قرار دادن منابع و اختیارات

برخورداری افراد یک جامعه از امکانات مادی و معنوی موجود در آن جامعه را می‌توان سطح رفاه مردم آن به‌شمار آورد» (مریدی، ۱۳۷۸، ۲۰). در این تعریف، سطح بهزیستی، مترادف رفاه در نظر گرفته شده و در کنار آن میزان دارایی و تولید ملی را بیانگر سطح رفاه جامعه به‌شمار آورده است؛ آن هم بدون توجه به توزیع.

رفاه اجتماعی، صرف‌نظر از دیدگاه‌های مختلفی که در مورد آن وجود دارد، در همه حال از شش قلمرو اصلی شامل سلامت، تأمین اجتماعی، خدمات اجتماعی، آموزش همگانی، اشتغال و مسکن تشکیل می‌شود (اعتمادی و همکاران، ۱۳۸۲، ۳۵۱).

بی‌شک سازوکارهای عصر جدید، از جمله برنامه‌ریزی‌های رفاه اجتماعی و سیاست‌های که در سطح جهانی در پی بهبود شرایط زندگی است، سبب ایجاد موجی در جهان و گسترش حرکت رفاه اجتماعی شده است؛ اما نباید ارزش‌های حاکم بر جامعه را دست‌کم گرفت که از گذشته‌های دور و نزدیک وجود داشته و منشأ آن افکار نوع‌دوستانه و اهداف و سنن مذهبی کشورها بوده و توسط مذاهب نیز توصیه و دنبال شده است. این اهداف و سنت‌ها و سوابق تاریخی را می‌توان به‌صورت نظام سیاست اجتماعی مورد بررسی قرار داد. به عبارت دیگر، هر چند ایدئولوژی‌های عصر جدید از قبیل دموکراسی و سوسیالیسم و منازعات صنعتی، نقش مهم و تعیین‌کننده‌ای در گسترش خدمات اجتماعی و توجه به قشر محروم جامعه داشته و بسیاری از تصمیمات و مقرراتی را که در جهت بهبود شرایط این طبقات بوده به تدریج طی دو قرن اخیر وضع کرده است؛ اما این امر کم‌وبیش زیر فشار ایدئولوژی‌ها و رویه‌هایی

مناسب رفاه عمومی و تأمین اجتماعی است تا از راه کسب استقلال و اقتدار اقتصادی در چهارچوب احکام و قوانین الهی اسلام، زمینه‌های ایجاد رفاه عمومی و تأمین اجتماعی مناسب برای آحاد جامعه مهیا گردد.

۲. مواد و روش‌ها

مقاله حاضر توصیفی-تحلیلی است. مواد و داده‌ها کیفی است و در گردآوری مطالب و داده‌ها از روش فیش‌برداری استفاده شده است.

۳. ملاحظات اخلاقی

در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

۴. یافته‌ها

آموزه‌های اسلامی در این زمینه حاوی عناصر حقوقی، اخلاقی، ارزشی و بینشی ویژه‌ای است که در جامعه صدر اسلام با اتکا بر آن‌ها الگویی موفق از تأمین اجتماعی برقرار گردیده بود. در این راستا امام خمینی(ره) با تأکید به ضرورت توجه به رفاه محرومین جامعه توفیق خدمت برای دولت و افراد توانمند به این طبقه مظلوم را در صورتی میسر دانسته که همه نیت‌ها و اهداف بر مبنای مکتب الهی و ایده توحید با ابعاد رفیع آن باشد.

۵. بحث

در این قسمت مفاهیم و یافته‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۵-۱. رفاه اجتماعی

در تعریف رفاه اجتماعی آمده است: «رفاه اجتماعی، سطح بهزیستی و رفاه در یک جامعه، میزان

است که جامعه در قبال پریشانی‌های اجتماعی و اقتصادی پدید آمده به واسطهٔ قطع یا کاهش شدید درآمد افراد بر اثر بیکاری، بیماری، بارداری، از کارافتادگی، سالمندی، فوت و هم‌چنین افزایش هزینه‌های درمان و نگهداری خانواده (عائله‌مندی) به اعضای خود ارائه می‌دهد» (مؤسسهٔ عالی پژوهش تأمین اجتماعی، ۱۳۷۸، ۶).

برخی نویسندگان در تعریف آن گفته‌اند: «تأمین اجتماعی مفهومی پویاست که با تفسیرهای گوناگونی در ارتباط با فرهنگ، سنت، ارزش‌های انسانی، عقاید، قانون اجتماعی، مرحلهٔ توسعهٔ اقتصادی، اندازهٔ جمعیت و منابع مالی تعریف می‌شود و هدف آن است تا کمک‌های مالی در دسترس افراد جامعه قرار گیرد. موارد کاربرد برنامهٔ تأمین اجتماعی متفاوت می‌باشد. بعضی از افراد آن را به‌صورت برنامه‌های مراقبت پزشکی و حمایت از افراد ناتوان و مسن می‌شناسند. درحالی‌که برای بعضی دیگر تأمین اجتماعی شامل برنامه‌های اجتماعی است که فراهم‌کنندهٔ کمک‌های مالی نقدی برای افراد بیکار و دیه برای گارگران آسیب‌دیده در حین کار، پرداخت نقدی به افراد نیازمند، رفاه یا مساعدت دولتی و ارائهٔ خدمات رفاهی و بهداشتی به افراد بر اساس قانون تأمین اجتماعی می‌باشد» (موسوی و همکاران، ۱۳۸۸، ۴۸).

به نظر می‌رسد دو عنصر اساسی بتوان برای تعریف تأمین اجتماعی ذکر نمود. عنصر اول عبارت است از اینکه تأمین اجتماعی مربوط به نیازهای معیشتی افراد است و ممکن است مصادیق نیازها در جوامع و شرایط مختلف متفاوت باشد. نکتهٔ دوم اینکه واژهٔ اجتماعی مفید این معناست که در این مفهوم مرتبه و نوعی از نیازها که باید مورد حمایت اجتماعی قرار

بوده که به گفتهٔ شریعتی «بر سر عقل آمدن سرمایه‌داری» موجب آن شده است. بی‌شک، اساس و منشأ خدمت به مردم، خارج از ملاحظات سوداگریانه در تاریخ طولانی مسلمانان ناشی از حس دیگرخواهی و تربیت دینی و اخلاقی جامعه و جهان‌بینی الهی و وحدت‌بخش نوع بشر بوده است (توسلی، ۱۳۸۲، ۹۰).

۵-۲. تأمین اجتماعی

تأمین اجتماعی معادل واژهٔ Social Security و یک اصطلاح تخصصی است که در سدهٔ اخیر رایج گردیده است. اصطلاح تأمین اجتماعی با تصویب قانون ۱۹۳۵ ایالات متحده آمریکا باب شده است؛ اما برخی نویسندگان مثل سن ژور (متخصص تأمین اجتماعی) معتقدند که قبل از تصویب قانون ۱۹۳۵ آمریکا هم این اصطلاح در فرمانی در اکتبر ۱۹۱۸ بعد از انقلاب در روسیه به کار برده شده است (ملکی، ۱۳۸۰، ۱۴۶).

واژهٔ تأمین اغلب مترادف با واژه‌هایی نظیر رفاه اجتماعی، خدمات اجتماعی و غیره به کار می‌رود به‌طور کلی تعاریفی که از تأمین اجتماعی می‌شود متأثر از شرایط اقتصادی و اجتماعی و قدرت دولت‌ها در اختصاص برنامه‌ها و اولویت‌ها و هزینه‌ها، در این راستا است. از این‌رو سازمان بین‌المللی کار در سال ۱۹۴۹ اعلام داشت از تأمین اجتماعی هنوز تعریف مورد قبول (اجماعی) بین‌المللی وجود ندارد و در سال ۱۹۶۱ تأیید کرد که مفهوم تأمین اجتماعی از کشوری به کشور دیگر به‌گونه‌ای آشکار فرق می‌کند (عراقی، ۱۳۸۲، ۶). با وجود این سازمان بین‌المللی کار در مقاله‌نامهٔ ۱۳۲ خود در تعریف این واژه می‌گوید: «تأمین اجتماعی به منزلهٔ حمایتی

الف) اصل کفالت همگانی یعنی مسئولیت افراد نسبت به همدیگر؛

ب) اصل سهیم بودن جامعه در درآمدهای دولت(قابل، ۱۳۸۰، ۲۳۹).

۵-۴. تأمین اجتماعی از منظر امام خمینی(ره)

مشکلات اقتصادی و تنگناهای معیشتی همواره عامل رنج مردم جامعه و موجب وارد آمدن مشقت‌های مکرر به محرومان بوده است به گونه‌ای که لحظات زندگی را که باید با آرامش فکر و روح و آسایش تن و جسم همراه باشد و در رفاه نسبی و متعادل طی شود با تلخی و ناگواری سپری می‌نمایند و از این طبیعی‌ترین حقوق الهی خویش محروم می‌گردند.

تورم و گرانی از یک‌سو و هزینه‌های سرسام‌آور از دیگر سو و درآمدهایی که به مراتب و درجات تحیرآور از آنچه مسئولان اعلام می‌نمایند در زیر خط فقر قرار دارد و به شدت زندگی‌ها را تهدید می‌کند، در حالی رو به گسترش و عامل مشکلات است که اسلام به بهره‌برداری مردم جامعه از نعمت‌های سرشار ترغیب می‌کند و زمام‌داران را به حل معضلات اقتصادی فرمان می‌دهد و هیچ‌گونه غفلت و قصوری را از جانب هیچ مقام مسئولی بر نمی‌تابد.

از دیدگاه امام، اقتصاد اسلامی نه سرمایه‌داری است و نه کمونیستی؛ یعنی هیچ‌کدام از این دو مکتب مشروعیت ندارند. موضوع مالکیت فردی که محل نزاع این دو دیدگاه است در حد معقول و مشروع در اسلام وجود دارد و خیلی هم گسترده است و محدود به آنچه سوسیالیست‌ها می‌گویند نیست. در اصل اسلام، محدودیت مالکیت فردی تنها بر اساس رعایت حلال و حرام و مشروع و نامشروع است، این حد

گیرند مورد نظر است که این امر نیز ممکن است به تناسب ارزش‌های مورد قبول هر جامعه‌ای متفاوت باشد. بنابراین به‌طور خلاصه می‌توان گفت تأمین اجتماعی حمایتی است که جامعه از نیازهای معیشتی افراد خود به عمل می‌آورد.

۵-۳. تأمین اجتماعی در شریعت اسلام

شریعت اسلام اصولی را برای تأمین اجتماعی مطرح می‌کند که بررسی اجمالی آن نشان‌دهنده عمق توجه به شأن انسانی است. این مقوله در محیط اسلام و شریعت محمدی(ص) با همان پرسش تاریخی اهل دانش روبه‌رو گردیده است که آیا تأمین اجتماعی مورد پذیرش دین و شریعت قرار می‌گیرد یا امری نامشروع است؟ در این باره گفته شده است که اصل کفالت اجتماعی، یعنی مسئولیت انسان‌ها نسبت به هم، یکی از اصول اساسی تأمین اجتماعی در اسلام محسوب می‌شود، لزوم تأمین مخارج اولیه زندگی همسر، والدین و سایر نزدیکان بر اساس الاقرب فالاقرب، مصداق وجوب نفقه است.

از دیگر منابع تکامل اجتماعی که هر کس به میل و اختیار خود و با انگیزه نوع‌دوستی به مصارف عمومی می‌رساند عبارت‌اند از وقف، صدقه، احسان، انفاق، قرض الحسنه، رسیدگی به اطفال بی‌سرپرست و ...

هم‌چنین بر اساس اصل سهیم بودن مردم در درآمدهای جامعه(زکات، خمس، خراج، مالیات و...) حکومت اسلامی در جهت تأمین سطح مناسبی از زندگی برای مردم وظایفی بر عهده دارد. کتاب‌های فقهی و منابع اقتصاد اسلامی تأمین اجتماعی را تأمین کامل وسایل زندگی عموم افراد دانسته و آن را بر دو پایه قرار می‌دهند:

عدالت اجتماعی را در همهٔ ابعاد و سطوح اقتصادی از جمله در واگذاری و تقسیم اراضی دولتی و انفال گسترش بدهیم.

«پیغمبرها تاریخشان معلوم است و این‌ها آمده‌اند که بسیج کنند این مستمندان را که برود این غارتگرها را سر جای خودشان بنشانند و عدالت اجتماعی را درست کنند» (امام خمینی، ۱۳۷۰، ج ۷، ۲۰۵). از جمله رهنمودهای امام در زمینهٔ ارتقای اقتصاد اسلامی می‌توان به بیانات ایشان دربارهٔ تبیین مواضع اسلام و سیاست‌های آینده ایران در ۱۸ دی ماه ۱۳۵۷ در مصاحبه با روزنامه تایمز اشاره کرد که «مذهب اسلام از هنگام ظهورش متعرض نظام‌های حاکم در جامعه بوده است و خود دارای سیستم و نظام خاص اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی است که برای تمامی ابعاد و شئون زندگی فردی و اجتماعی قوانین خاصی دارد و جز آن را برای سعادت جامعه نمی‌پذیرد» (امام خمینی، ۱۳۶۵، ج ۳، ۵، ۸۹).

در پیامی که به مسلمانان ایران و جهان و زائران بیت‌الله الحرام در ۶ مرداد ۱۳۶۶ صادر کردند تأکید نمودند: «این بر عهدهٔ علمای اسلام و محققین و کارشناسان اسلامی است برای جایگزین کردن سیستم ناصحیح اقتصاد حاکم بر جهان اسلام، طرح‌ها و برنامه‌های سازنده و در بر گیرندهٔ منافع محرومین و پابرنه‌ها را ارائه دهند و جهان مستضعفین و مسلمین را از تنگنا و فقر معیشت به در آورند. البته پیاده کردن مقاصد اسلام در جهان و خصوصاً برنامه‌های اقتصادی آن و مقابله با اقتصاد بیمار سرمایه‌داری غرب و اشتراکی شرق، بدون حاکمیت همه جانبهٔ اسلام میسر نیست و ریشه‌کن شدن آثار سوء و مخرب آن چه بسا بعد از استقرار

مشروعیت، کنترل شدیدی در ثروت از لحاظ کمی و کیفی به وجود می‌آورد.

«مسئلهٔ مالکیت، به یک معنا، مالکیت هم مشروع هم مشروط، محترم است؛ لکن معنی این نیست که هر کس کاری می‌خواهد بکند و مالکیت از هر جا می‌خواهد پیدا بشود. مشروع بودن معنایش این است که روی موازین شرعی باشد، ربا در کار نباشد، مال مردم استثمار بی‌جهت نباشد، اگر به من نسبت دادند که حد و مرزی ندارد، اگر مقصودشان این است که حد و مرزی ندارد، یعنی نه قیدی دارد و نه حدی دارد، این غلط نسبت دادند. من نمی‌دانم این کسی که نسبت داده چه کسی است و چرا نسبت داده است؟ مالکیت، در صورتی که مشروع باشد، روی موازین باشد محترم است چه ما مرتجع باشیم، چه نباشیم و مالکیت غیر مشروع محترم نیست...» (امام خمینی، ۱۳۷۰، ج ۱۰، ۱۳۵).

در دیدگاه امام دین مبین اسلام اهمیت زیادی برای معنویات قائل است و توجه به مادیات را تا جایی مشروع می‌داند که مانع از رشد و سعادت انسان نشود و همین موضوع به خودی خود مانع از کسب حرام خواهد شد و اگر تأکید اسلام به پرداخت خمس و زکات و البته بخشش در راه خدا را در نظر بگیریم، خواهیم دید که حتی ثروت‌های از راه مشروع به دست آمده در دست انسان‌های متعهد باقی نمی‌ماند و در راه خیر صرف می‌شود.

امام بر عدالت اجتماعی و دفاع از مستضعفین و مقابله با مستکبرین تأکید داشتند و این را یکی از اصول مکتب اسلامی می‌دانستند که به نوبهٔ خود، در تعدیل ثروت و برابری تقریبی سطح زندگی جامعه بسیار نقش دارد و نیاز به توضیح نیست که باید

۵-۵. عدالت اجتماعی و رفاه اجتماعی از منظر امام خمینی

یکی از مهم‌ترین آرمان‌های امام خمینی(رحمه‌الله علیه) تحقق عدالت اجتماعی، کم شدن فاصله طبقاتی، رفع تبعیضات ظالمانه، حمایت از محرومان و فقرستیزی بود. از بررسی سخنرانی‌ها، پیام‌ها، توصیه‌های امام استفاده می‌شود که مسئله رفع تبعیض و فقرستیزی یکی از اهداف بزرگ او بوده که همواره بدان تأکید داشت. آن بزرگوار به قدری در این باره سخن می‌گفت که به‌عنوان پناهگاه مستضعفان و پابرنه‌ها شناخته شد. کسانی که دوران صدر پیروزی انقلاب را درک کرده‌اند و سخنان و موضع‌گیری‌های امام خمینی و دیگر مسئولان نظام را شنیده‌اند به خوبی می‌دانند که حمایت از محرومان و مستضعفان یکی از مهم‌ترین و پربازده‌ترین شعارهای انقلابیون و مورد عنایت و تأکید رهبر انقلاب بود. امام به دو انگیزه بر این هدف تأکید می‌کرد:

انگیزه اول: انجام وظیفه دینی؛ زیرا کوشش در تحقق عدالت اجتماعی و دفاع از حقوق محرومان و مبارزه با ستمکاران و چپاول‌گران اموال عمومی یکی از بزرگ‌ترین اهداف پیامبران و پیامبر اسلام بوده است. در قرآن می‌گوید: «ما پیامبران را با دلیل‌های روشن فرستادیم و با آنان کتاب و میزان نازل کردیم تا مردم عدالت را برپا سازند.» (حدید/۵۲). «ای کسانی که ایمان آورده‌اید عدالت را برپا سازید» (نساء/۵۳۱).

حمایت از مستضعفان آن قدر مهم بوده که پیامبر اسلام و مسلمانان برای آنان در قرآن مورد خطاب

نظام عدل و حکومت اسلامی همچون جمهوری اسلامی ایران نیازمند به زمان می‌باشد؛ ولی ارائه طرح‌ها و اصولاً تبیین جهت‌گیری اقتصادی اسلام در راستای حفظ منافع محرومین و گسترش مشارکت عمومی آنان و مبارزه اسلام با زراندوزان، بزرگ‌ترین هدیه و بشارت آزادی انسان از اسارت فقر و تهیدستی به‌شمار می‌رود و بیان این حقیقت که صاحبان مال و منال در حکومت اسلامی هیچ امتیاز و برتری‌ای از این جهت بر فقرا ندارند و ابدأ اولویتی به آنان تعلق نخواهد گرفت، مسلم راه شکوفایی و پرورش استعداد‌های خفته و سرکوب شده پابرنه‌گان را فراهم می‌کند و تذکر این مطلب که ثروتمندان هرگز به خاطر تمکن مالی خود نباید در حکومت و حکمرانان و اداره‌کنندگان کشور اسلامی نفوذ کنند و مال و ثروت خود را بهانه فخرفروشی و مباحات قرار بدهند و به فقرا و مستمندان و زحمتکشان، افکار و خواسته‌های خود را تحمیل کنند، این خود بزرگ‌ترین عامل تعاون و دخالت دادن مردم در امور و گرایش آنان به اخلاق کریمه و ارزش‌های متعالی و فرار از تملق‌گویی‌ها می‌گردد و حتی بعض ثروتمندان را از این که تصور کنند که مال و امکانات‌شان دلیل اعتبار آنان در پیشگاه خداست متنبه می‌کند» (امام خمینی، ۱۳۷۰، ج ۳، ۲۰، ۴).

از نظر امام خمینی(رحمه‌الله علیه)، اقتصاد وسیله‌ای می‌شود در جهت رفاه مشروع در این دنیا و رسیدن به رشد تعالی مورد نظر اسلام. یعنی اینکه اقتصاد اسلامی علاوه بر در نظر گرفتن اهداف مادی مشروع، اهداف معنوی را هم در نظر می‌گیرد. چیزی که دنیای غرب و شرق از آن غفلت ورزیده‌اند و این به بهای از دست دادن عدالت اجتماعی بوده است.

قرار گرفته اند: «چرا در راه خدا و برای نجات مستضعفان جنگ نمی‌کنید؟» (همان/۵۷).

امام خمینی در این خصوص فرمود: «اسلام از اول برای همین امر قیام کرده که به این مستمندان عالم در مقابل مستکبران خدمت کند و این ستمگران را به جای خود بنشانند و شما اشخاصی هستید که پیرو یک همچو اسلام عزیز هستید و به این پیروی باید ادامه بدهید» (امام خمینی، ۱۳۷۰، ج ۱۷، ۷۵۲).

انگیزهٔ دوم: قدردانی از محرومان و مستضعفان؛ به عقیدهٔ امام، محرومان صاحبان اصلی انقلابند و اگر ایثار و فداکاری آنان نبود انقلاب به پیروزی نمی‌رسید. امام بارها و بارها بدین مطلب تذکر می‌داد، از باب نمونه به چند فراز از سخنان ایشان اشاره می‌کنیم:

«این پایین‌شهری‌ها و این پابره‌نه‌ها، به اصطلاح شما، این‌ها ولی نعمت ما هستند. اگر این‌ها نبودند ما یا در تبعید بودیم یا در حبس بودیم یا در انزوا. این‌ها بودند که همهٔ ما را از این مسائل نجات دادند... اگر تا آخر عمرمان به این‌ها خدمت کنیم نمی‌توانیم از عهدهٔ خدمت این‌ها برآییم... شما امروز هم که ملاحظه می‌کنید این‌هایی که در جبهه‌ها الان دارند جان-فشانی می‌کنند این‌ها از کدام طبقه هستند؟ الان هم این‌هایی که جانشان را در دست‌شان گرفتند و شما را حفاظت می‌کنند و آن‌هایی که در بین شهرها و در بین روستاها حفظ می‌کنند شما و مردم را همین طبقه هستند... شما باید توجه به این معنا بکنید که ما را این‌ها آورده‌اند وکیل کرده‌اند، آورده‌اند وزیر کرده‌اند، رئیس‌جمهور کرده‌اند. این‌ها ولی نعمت ما هستند و ما باید ولی نعمت خودمان را قدردانی کنیم و خدمت کنیم» (امام خمینی، ۱۳۶۵، ج ۱۶، ۳۳).

امام خمینی در زمان مبارزه با رژیم شاهنشاهی تا زمان پیروزی انقلاب و بعد از آن، در خنثی‌سازی توطئه‌های دشمنان و به‌ویژه در زمان جنگ تحمیلی همواره از همکاری علمای دین و روحانیون استفاده می‌جست. از نقش حساس آنان در دفاع از اسلام و تأثیر تبلیغات آنان در میان توده‌های مردم به‌ویژه محرومان و مستضعفان به خوبی آگاه بود. از این‌رو، در نگهداری انقلاب و دفاع از آرمان‌های اسلامی نیز تلاش روحانیون را یک امر ضروری می‌دانست.

در حمایت از محرومان نیز به روحانیت دل بسته بود و انتظار همکاری جدی داشت. زیرا اولاً، چون روحانیت به‌ویژه طلاب و فضلاء جوان غالباً از خانواده‌های محروم هستند و طعم تلخ فقر و گرسنگی و محرومیت را چشیده‌اند در تعقیب هدف مقدس فقرستیزی نیز بیشتر می‌توان به آنان امیدوار بود. ثانیاً، حمایت از محرومین و مستضعفین یکی از مهم‌ترین اهداف اسلامی است که روحانیت وظیفه دارد در تبلیغ و ترویج آن کوشش کند. محرومان را به حقوق مشروعشان آشنا سازد و در گرفتن حق، آنان را بسیج نماید، به مسئولان نظام تذکر دهد و آنان را از حیف و میل اموال عمومی و تزیین حقوق مستضعفان بر حذر دارد. ثالثاً، روحانیون در طول تاریخ همواره پناهگاه و حامی محرومان بوده‌اند و باید موقعیت دینی و اجتماعی خود را در میان مردم به‌ویژه طبقات محروم حفظ کنند.

به همین جهت بود که امام خمینی (ره) بارها و بارها و به مناسبت‌های مختلف انجام وظیفهٔ مهم دفاع از حقوق محرومان را به روحانیون تذکر می‌داد، از باب نمونه ایشان فرمودند: «آن چیزی که روحانیون هرگز نباید از آن عدول کنند و نباید با تبلیغات دیگران از

که دارای قانون اساسی نوشته یا نانوشته نباشد(قاضی شریعت پناهی، ۱۳۸۷، ۳۶). با توجه به پذیرش این امر که تأمین اجتماعی در قلمرو توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هر کشور اهمیت شایانی دارد و سطح عمومی رشد آن یکی از شاخص‌های اصلی سنجش پیشرفت هر جامعه محسوب می‌گردد»(پناهی، ۱۳۷۶، ۱۳).

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقررات صریح و پیشرفته‌ای درباره تأمین اجتماعی آورده است که به موجب آن‌ها جایگاه کلی تأمین اجتماعی و وظایف و تکالیف دولت با شفافیت و حساسیت خاص تصریح گردیده است. البته باید افزود تجهیز قانون اساسی به احکام مترقی تأمین اجتماعی بدون اجرای کامل و صحیح آن امری نامطلوب است و این اجرای اصول قانون است که می‌تواند عدالت اجتماعی را به معنای واقعی ارتقا بخشد. عمده آن است که باید به نحو احسن به نیازمندی‌های افراد جامعه پاسخ‌گویی شود. هرچند حتی همین ذکر اصول هم می‌تواند بستر مناسبی برای گشودن راه حرکت به نقطه مطلوب باشد. «به‌طور مثال در قانون اساسی آلمان چنان که باید مقررات صریح و روشنی در خصوص تأمین اجتماعی مشهود نیست؛ اما جزو کشورهای به‌شمار می‌رود که از نظر فراهم ساختن تأمین اجتماعی برای ملت خود سرآمد است»(علی حسنی، ۱۳۸۲، ۵).

مضامین مربوط به تأمین اجتماعی در اصول قانون اساسی گاهی به‌طور مستقیم مطرح شده‌اند و گاهی به شکل غیر مستقیم و در خلال سایر مباحث مورد استفاده قرار گرفته‌اند. برای سهولت در بیان مطالب نوع نخست را در بند اول و نوع دوم را هم در بند دوم مورد بررسی قرار داده‌ایم.

میدان به در روند حمایت از محرومین و پابرنه‌ها است. چراکه هر کسی از آن عدول کند از عدالت اجتماعی اسلام عدول کرده است. ما باید تحت هر شرایطی خود را عهده‌دار این مسئولیت بزرگ بدانیم و در تحقق آن اگر کوتاهی بنماییم خیانت به اسلام و مسلمین کرده‌ایم»(همان، ج ۲، ۴۴۲).

مهم‌ترین مسئولیت حکومت اسلامی برپا ساختن عدالت اجتماعی، رفع تبعیضات ظالمانه، کم کردن فاصله طبقاتی، فقرزدایی و دفاع از حقوق محرومان و مستضعفان است. زیرا سیره و آرمان همه پیامبران، به خصوص پیامبر اسلام(صلی الله علیه و آله) و ائمه اطهار(علیه السلام) در طول تاریخ همین بوده است. مسئولان حکومت اسلامی وظیفه دارند تحقق این آرمان مقدس الهی را در صدر برنامه‌های خود قرار دهند و در این‌باره تلاش کنند. روشن است که اجرای چنین مهمی بسی دشوار و نیاز به طرح و برنامه‌ریزی دقیق و منسجم و همکاری و هم‌فکری همه مسئولان در رده‌های مختلف دارد.

۵-۵-۱. جلوه‌های تأمین اجتماعی در قوانین اساسی و مدنی

نظر به اهمیت قانون اساسی گفتار نخست به بررسی جلوه‌های تأمین اجتماعی در قانون اساسی اختصاص یافته و سپس به قانون مدنی از این منظر بررسی می‌گردند.

۵-۵-۲. جلوه‌های تأمین اجتماعی در قانون اساسی

قانون اساسی هر کشور نمودار ارزش‌ها و باورهای هر ملت و هم‌چنین آینه تمام‌نمای آرمان‌ها و خواسته‌های آنان است و لذا هیچ جامعه‌ای را نمی‌توان یافت

۵-۳. مضامین مستقیم

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برخوردار از تأمین اجتماعی را حقی همگانی عنوان کرده و موارد مذکور در ماده ۲۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر را به طور کامل در اصل ۲۹ خود مورد تأکید قرار داده است. به موجب اصل مزبور «برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کار افتادگی، بی سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح و نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه و غیره حقی است همگانی. دولت مکلف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی فوق را برای یک فرد کشور تأمین کند». از این اصل نکاتی چند قابل استخراج است از جمله این که تأمین اجتماعی به عنوان یک حق انسانی است که در هیچ شرایطی قابل گرفتن از فرد نیست. این ویژگی نتیجه طبیعی حق بشری بودن تأمین اجتماعی است و اینکه حق تأمین اجتماعی برای برخورداران هر کس و برطرف کنندگی نیازهای اجتماعی و اقتصادی و تضمین کنندگی وضعیت حال و آینده افراد بدون در نظر گرفتن بیگانه یا تبعه بودن آنها در نظر گرفته شده است (جامعیت و فراگیری). هم‌چنین ادای این حق باید از کفایت لازم برخوردار باشد. لذا به شکل بیمه‌ای و غیر بیمه‌ای (حمایتی) مورد عمل قرار می‌گیرد. از دیگر اصولی که به مسئله تأمین اجتماعی توجه داشته‌اند، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

- بندهای سوم، هشتم، نهم، دوازدهم، چهاردهم و پانزدهم اصل سوم که مقرر می‌دارد: «دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور

در اصل دوم، همه امکانات خود را برای امور زیر به کار برد».

۳- آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه، در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی.

۸- مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش.

۹- رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه‌های مادی و معنوی.

۱۲- پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه برطبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه.

۱۴- تأمین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون.

۱۵- توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون عمومی بین همه مردم.

- اصل ۲۱:

دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید و امور زیر را انجام دهد:

۱- ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او.

۲- حمایت مادران، به خصوص در دوران بارداری و حضانت فرزند و حمایت از کودکان بی سرپرست.

ریشه‌کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد، با حفظ آزادگی او، اقتصاد جمهوری اسلامی ایران بر اساس ضوابط زیر استوار می‌شود.

۱- تأمین نیازهای اساسی: مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه.

۲- تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قراردادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند؛ ولی وسایل کار ندارند در شکل تعاونی، از راه وام بدون بهره یا هر راه مشروع دیگر که نه به تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروه‌های خاص منتهی شود و نه دولت را به صورت یک کارفرمای بزرگ مطلق درآورد. این اقدام باید با رعایت ضرورت‌های حاکم بر برنامه‌ریزی عمومی اقتصاد کشور در هر یک از مراحل رشد صورت گیرد.

۳- تنظیم برنامه اقتصادی کشور به صورتی که شکل و محتوا و ساعات کار چنان باشد که هر فرد علاوه بر تلاش شغلی، فرصت و توان کافی برای خودسازی معنوی، سیاسی و اجتماعی و شرکت فعال در رهبری کشور و افزایش مهارت و ابتکار داشته باشد.

حکم کلی اصل ۴ قانون اساسی که بیان می‌دارد: « کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر این‌ها باید براساس موازین اسلامی باشد». هم به نوعی می‌تواند در این زمینه مورد عنایت باشد. زیرا با توجه به آنچه بیان گردید، رویکرد اصلی مقررات اجتماعی اسلام در جهت برقراری عدالت اجتماعی و تأمین نیازهای افراد

۳- ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان و بقای خانواده.

۴- ایجاد بیمه خاص بیوگان و زنان سال‌خورده و بی‌سرپرست.

- اصل ۲۸:

«هر کس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند. دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید.

- اصل ۳۱:

«داشتن مسکن متناسب با نیاز، حق هر فرد و خانواده ایرانی است. دولت موظف است با رعایت اولویت برای آن‌ها که نیازمندترند به‌خصوص روستائینان و کارگران زمینه اجرای این اصل را فراهم کند.

۵-۴. مضامین غیر مستقیم

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، احکام مربوط به تأمین اجتماعی فقط به موارد گفته‌شده، خلاصه نمی‌گردد؛ بلکه در جاهایی مختلف اشاراتی به آن شده است که می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. برای نمونه اشاره به مفهوم «دولت- رفاه» به‌عنوان یکی از اهداف حکومت اسلامی را می‌توان ذکر کرد. در بخش مربوط به اقتصاد، دولت اسلامی به ایجاد زمینه کار مساوی برای همه، اتخاذ تدابیر لازم برای اصلاح وضع نیازمندان، کوشش برای نیل به سطحی برابر از لحاظ رفاه همگانی و ... مکلف شده است.

اصل ۴۳ قانون اساسی نیز در این خصوص مقرر می‌دارد که «برای تأمین استقلال اقتصادی جامعه و

قرار دارد و لذا اگر قانونی مخالف با این رویکرد تهیه شود، فاقد اعتبار است.

۵-۵-۶. جلوه‌های تأمین اجتماعی در قانون مدنی

از میان نهادهای پیش‌بینی شده در قانون مدنی ایران، بعضی موارد وجود دارد که با استفاده از قواعد حقوق خصوصی کمابیش راهی در جهت تأمین اجتماعی گشوده‌اند. اهمیت این مقررات زمانی بیشتر به چشم می‌آید که توجه کنیم قانون مدنی در زمانی تهیه و تصویب گردیده است که جامعهٔ ایران در ابتدای قانون‌گذاری خود بود. بنابراین در زمینهٔ تأمین اجتماعی و هم مانند سایر عرصه‌ها قانون مصوبی نداشت. از جمله این موارد باید به قرارداد صلح تأمینی اشاره نمود: این قرارداد صریحاً در قانون مدنی ایران تعریف نشده است؛ ولی با ملاحظهٔ مادهٔ ۷۶۸ قانون مدنی که مقرر می‌دارد: «در عقد صلح ممکن است احد طرفین در عوض مال الصلحی که می‌گیرد، متعهد شود که نفقهٔ معینی همه ساله یا همه ماهه تا مدت معین تأدیه کند. این تعهد ممکن است به نفع طرف مصالحه یا به نفع شخص یا اشخاص ثالث واقع شود». می‌توان قرارداد صلح مزبور را چنین تعریف کرد: «صلح تأمینی عقد معوضی است که طبق آن یکی از طرفین مالی را به دیگری تملیک می‌کند که طرف دیگر در عوض، متعهد بر پرداخت مبلغی معین به‌طور سالانه یا ماهانه تا مدت معین به طرف اول یا به ثالث گردد» (شهیدی، ۱۳۸۵، ۵۰). در حقوق فرانسه تأسیسی وجود دارد که با وجود داشتن بعضی تفاوت‌ها، نزدیکی و مشابهت زیادی با صلح تأمینی مقرر در حقوق ایران دارد. این قرارداد «قرارداد رانت ویژه» نام دارد که می‌توان آن را قرارداد مستمری

مادام‌العمر ترجمه کرد (همان). قانون مدنی فرانسه قرارداد مزبور را صریحاً تعریف نکرده است؛ ولی نویسندگان حقوق مدنی فرانسه با ملاحظهٔ مقررات قانونی مربوطه آن را چنین تعریف کرده‌اند: «رانت ویژه قراردادی است که طبق آن یک شخص (متعهد پرداخت) تعهد می‌کند مبلغی را که مستمری نامیده می‌شود، در فواصل معینی به دیگری بپردازد و این پرداخت در طول زندگی بستانکار (متعهدله پرداخت) به عمل می‌آید» (همان).

صلح تأمینی‌ای که در مادهٔ ۷۶۸ ق.م.مقرر شده یک عقد معوض است که دو مورد دارد: یکی مالی که مصالح به متعهد پرداخت نفقه تملیک می‌کند و دیگری مجموع نفقه و مستمری‌ای که متصالح متعهد به پرداخت آن در طول مدت مقرر می‌شود. با توجه به اطلاق عنوان نفقه می‌توان گفت که نفقه ممکن است پول یا کالا باشد. برخلاف سایر عقود، مورد عقد صلح لازم نیست تفصیلاً معلوم باشد و معلوم بودن اجمالی آن برای صحت عقد کافی است. حکم مزبور اگرچه صریحاً در قانون مدنی نیامده است، به دلالت التزامی از مادهٔ ۷۲۵ می‌توان فهمید که مورد صلح می‌تواند تفصیلاً معلوم نباشد. لذا چون لازم نیست که مورد عقد صلح تفصیلاً معلوم باشد می‌توان گفت که لازم نیست که مال الصلح مذکور در مادهٔ ۷۶۸ ق.م. نیز تفصیلاً معلوم باشد و برای صحت عقد علم به اجمالی به آن کافی است. به همین جهت با اینکه مبلغ نفقهٔ سالانه یا ماهانه طبق مادهٔ ۷۶۸ ق.م. باید معین باشد؛ اما مجموع نفقه که عوض مال الصلح است هنگام عقد به‌طور کامل و دقیق معلوم نیست و به نظر می‌رسد به همین دلیل بوده است که قانون‌گذار برای چنین رابطهٔ حقوقی قالب عقد صلح را

مناسب دیده است. مشابهت نزدیک این قرارداد با قرارداد بیمه آشکار می‌سازد که چگونه نویسندگان قانون مدنی تحولات جامعه نیاز مردم به چنین انواع بیمه را احساس کرده و سعی کرده‌اند در همان قالب‌های سنتی راه حلی برای آن بیابند. شایان ذکر است در قانون مدنی ذکری از قرارداد پرداخت نفقه به صورت غیر معوض، یعنی قراردادی که طبق آن شخص، متعهد به پرداخت مستمری و نفقه به طور رایگان شود؛ به میان نیامده است؛ ولی می‌توان چنین قراردادی را طبق ماده ۱۰ ق.م. معتبر دانست؛ زیرا موجبی برای بطلان آن به نظر نمی‌رسد(همان).

از دیگر نهادهایی که با مقوله تأمین اجتماعی در ارتباطاند، می‌توان به نهاد وقف اشاره کرد. در این خصوص باید گفت که اگرچه در قانون مدنی تنها به ذکر این مطلب که «وقف بر مقاصد غیر مشروع باطل است»(ماده ۶۶) بسنده شده است؛ ولی این نهاد حقوقی عبادی که ریشه در فرهنگ ایرانی اسلامی ما دارد از دیرباز برای مقاصد عام‌المنفعه‌ای به کار برده می‌شده است که به سهم خود قسمتی از تأمین نیازهای اجتماعی را بر دوش می‌کشد(امینیان مدرس، ۱۳۸۱، ۱۴). البته انگیزه‌های روانی واقفان چندان گونه‌گون است که به دشواری می‌توان آن‌ها را احصا کرد(کاتوزیان، ۱۳۷۷، ۲۳). با وجود این، بر مبنای غلبه خودخواهی یا اندیشه غیرخواهی می‌توان آن‌ها را تقسیم کرد. ممکن است در گروهی انگیزه خودخواهی بر اندیشه خیر بچربد و فرد برای کسب شهرت یا باقی نهادن نامی از خود ناچار شود که به کارهای مفید اجتماعی نیز دست زند و از این راه به دیگران نیز نفعی برساند. در مقابل تشویق پیشوایان دینی به نیکی کردن و ادامه صدقه دادن و تقرب به

خدا، از انگیزه‌های دیگری است که اشخاص را وادار به وقف کردن می‌سازد. در این گروه انگیزه غیرخواهی و احسان بر خودخواهی غلبه دارد و در طول تاریخ نیز فرهنگ ایرانیان مسلمان بیشتر به این اندیشه گرایش داشته است که گامی در راه رفع نیازهای جامعه بردارند. چنان که تنوع موضوعی وقف - نامه‌ها آدم را به شگفتی وا می‌دارد. برای نمونه «وقف برای تهیه جهیزیه دختران یتیم و فقیر، وقف برای تهیه کوزه‌هایی که خدمت‌کاران در هنگام بردن آب به سهو می‌شکنند، وقف برای تهیه پول گوشتی که خدمت‌کار خریده و ارباب نپسندیده و قصاب پس نگرفته است، وقف بر اطعام زائران امام رضا(ع)، وقف برای تأمین مخارج طبّاب و ... را می‌توان نام برد»(کاتوزیان، پیشین، ۲۷).

۶. نتیجه

۱- نظام تأمین اجتماعی‌ای که آموزه‌های اسلامی ارائه می‌کند، دارای ویژگی‌های مخصوص به خود است به گونه‌ای که آن را برابر با تازه‌ترین تحولات حقوق اجتماعی معاصر و حتی در بعضی موارد پیشرفته‌تر از آن قرار می‌دهد. از مهم‌ترین این ویژگی‌ها آن است که راهکارهای تأمین اجتماعی در اسلام اقدامی مقطعی و تاکتیکی نیست؛ بلکه پایدار و دائمی بوده و جنبه راهبردی دارد. بدین سبب این نظام تأمین اجتماعی از همان ابتدا به صورت فراگیر و جامع پی - ریزی شده، همه آحاد مردم حتی بیگانگان از جامعه دینی و امت اسلام را تحت پوشش قرار می‌دهد و مخصوص گروه و دسته معینی از افراد نیست. هم - چنین باید گفت که در نظام حقوقی اسلام، تأمین اجتماعی و حمایت‌های ناشی از آن به‌عنوان حق افراد و نه یک لطف و مرحمت به آنان در نظر گرفته شده

است. البته شیوه اجرای این حق در واقع تلفیقی موفق از روش بیمه‌ای و حمایتی است که تمامی آسیب‌ها و خطرات اجتماعی حتی موارد نادر و استثنایی را شامل می‌شود.

۲- حضرت امام(ره) تأمین اجتماعی و رفاه عمومی را در گرو استقلال اقتصادی می‌دانند بی‌شک دیدگاه امام در این زمینه همچون موارد دیگر نشانه درایت و هوشمندی ایشان است. بزرگان علم اقتصاد هم بر این باورند که تا کشوری به استقلال اقتصادی نرسد نمی‌تواند در زمینه‌های دیگر به‌ویژه تأمین اجتماعی و رفاه عمومی موفق باشد. استقلال اقتصادی و دستیابی به مرز قابل قبولی از خودکفایی یکی از آرمان‌های جوامع مختلف در طول تاریخ بوده است. حضرت امام(ره) همواره بر ضرورت استقلال اقتصادی تأکید نموده و نجات کشور را در عملی کردن این مقوله حیاتی داشته‌اند و خطاب به کارگزاران می‌فرمایند: شما حالا باید از اول شروع کنید و قصدتان بر این باشد که خودتان مستقل در همه چیز باشید در فرهنگ مستقل باشید، در صنعت مستقل باشید، در زراعت مستقل باشید، وقتی بنا را بر این گذاشتید و با این عزم وارد میدان شدید می‌توانید کشور خود را نجات دهید و کشور خودتان را مستقل کنید و بیمه کنید استقلال کشور خودتان را برای همیشه حفظ کنید.

۷. سهم نویسندگان

همه نویسندگان به‌صورت برابر در تهیه و تدوین پژوهش حاضر مشارکت داشته‌اند.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

منابع

- قاضی شریعت‌پناهی، ابوالفضل، بایسته‌های حقوق اساسی، چاپ سی‌ودوم، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۷.
- کاتوزیان، امیرناصر، «تحول نهاد وقف و دورنمای آینده آن مطالعه تطبیقی و تاریخی»، مندرج در کتاب گامی، ۱۳۷۷.
- مریدی، سیاوش، فرهنگ بیمه‌های اجتماعی، تهران، نشر و پژوهش فرزاد روز، ۱۳۷۸.
- مؤسسه تحقیقات اجتماعی دانمارک، تأمین اجتماعی در اروپا توسعه یا تعطیل، ترجمه هرمز همایون‌پور، تهران، مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی، ۱۳۷۸.
- مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی، خلاصه گزارش نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی، تهران، مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی، ۱۳۷۸.
- موسوی، میرطاهر؛ محمدی، علی‌محمد، مفاهیم و نظریه‌های رفاه اجتماعی، تهران، نشر دانژه، ۱۳۸۰.
- اعتمادی، حسین، رفیعی، حسن، «سیاست سلامت در چارچوب رفاه اجتماعی»، مجله تأمین اجتماعی، شماره ۱۰، ۱۳۸۲.
- امینیان مدرس، محمد، وقف از دیدگاه حقوق و قوانین، چاپ اول، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۸۱.
- پناهی، بهرام، ۱۳۷۶، اصول و مبانی نظام تأمین اجتماعی، تهران، سوره.
- توسلی، غلامعباس، «در جست‌وجوی سیاست اجتماعی در اسلام»، مجله رفاه اجتماعی، شماره ۱۰، ۱۳۸۲.
- خمینی، سید روح‌الله، صحیفه امام، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، ۱۳۷۸.
- موسوی خمینی، روح‌الله، صحیفه نور، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۵.
- شهیدی، مهدی، مجموعه مقالات حقوقی، چاپ اول، تهران، مجمع علمی و فرهنگی مجد، ۱۳۸۵.
- عراقی، عزت‌الله، «اهمیت و پایگاه حقوق تأمین اجتماعی»، فصلنامه حقوق تأمین اجتماعی، سال اول، پیش شماره، تهران، مؤسسه عالی تأمین اجتماعی، ۱۳۸۲.
- علی‌حسینی، محمدتقی، نظام تأمین اجتماعی آلمان، چاپ اول، تهران، مؤسسه کار و تأمین اجتماعی، ۱۳۸۲.
- قابل، احمد، ۱۳۸۰، «تأمین اجتماعی در قرآن»، مجله تأمین اجتماعی، شماره ۸، ۱۳۸۰.